بررسی خط کوفی روی پارچه‌های دوره‌ی اسلامی

وحیده زابلی‌زاده غضنفرآبادی*
مهتاب محترم**

تاریخ دریافت: ۹۷/۱۰/۱۰
تاریخ پذیرش: ۹۷/۱۱/۲۰

چکیده

خوشنویسی یکی از هنرهای خاص دوران اسلامی است. خط کوفی ـ که خطی عربی است ـ به پشتوانه‌ی نوشتار کلام الهی، ارزش و اعتبار ویژه‌ای یافت. این پشتوانه‌ی معنوی با حضور در عرصه‌های مختلف هنری و به کار بردن سلیقه توسط هنرمندان، به شکل‌گیری انواع خط کوفی منجر شد. خاستگاه این خط، شهر کوفه و بیشترین استفاده از آن به عنوان یک عنصر تزئینی و کاربردی در هنرهای مختلف از قبیل بناها، ظروف، منسوجات و ... بود که توسط ایرانیان صورت گرفت. علاوه بر خوشنویسی، هنر پارچه‌بافی نیز در دوران اسلامی پیشرفت چشم‌گیری داشت. در این دوران، این هنر تحت‌تأثیر عوامل زیادی قرار داشت؛ از جمله دین، فرهنگ، باورهای اجتماعی و ... . بروز هنر خطنگاره و استفاده از آن در صنعت پارچه‌بافی با توجه به ویژگی کاربردی آن در جامعه و زندگی مردم در تجلی این هنرها در دوره‌ی اسلامی نقش عمده‌ای داشت. هدف این پژوهش، آشنایی با خط کوفی و کاربرد آن بر منسوجات مورد استفاده در دوره‌های اسلامی است. روش تحقیق از نوع توصیفی و تحلیلی، همراه با بررسی کاربرد و شیوه‌ی جمع‌آوری اطلاعات نیز به صورت کتابخانه‌ای و اسنادی است. در این پژوهش، دو اصل برای شناخت کامل در این زمینه قابل توجه قرار گرفته‌است: ۱- بررسی پیدایش خط کوفی و انواع آن؛ ۲- سیر تحول خط کوفی و کاربرد آنها در منسوجات دوره‌های اسلامی.

به همین منظور پس از شناسایی و جمع‌آوری انواع خطوط کوفی در منسوجات دوره‌های مذکور، مضامین و کاربردهای مختلف آنها بررسی شد.

کلیدواژه‌ها: تولید داخلی، قاچاق کالا، پیشگیری از قاچاق کالا.

* کارشناس ارشد هنرهای اسلامی، مدرس دانشکده‌ی فاطمیه بندرعباس. Zabolivahidhe@gmail.com
** کارشناس تکنولوژی طراحی و دوخت، دانشجوی دانشکده‌ی فاطمیه بندرعباس
Mahtab.mohtaram1365@gmail.com

[Downloaded from rdch.ir on 2026-11-01]

۱- مقدمه

هم‌زمان با پیشرفت خط و خوشنویسی در اسلام ـ که به ایجاد تحول در همهی فرهنگ‌ها و تمدن‌ها منجر شد ـ پارچه‌بافی نیز رفته‌رفته مسیرهای ترقی و پیشرفت خود را طی می‌کرد. زیبا نوشتن که در زمان ساسانیان اهمیت یافته بود، در دوره‌ی اسلامی به مدد ارزش و اعتبار معنوی نوشتار کلام الهی در آیین جدید، در قالب خوشنویسی تجلی یافت و به تدریج با مقاصد تزئینی در بسترهای مختلف مورد استفاده قرار گرفت (جباری و معصوم‌زاده، ۱۳۸۹: ۳۹). از نخستین دوره‌ها، صنعت خط یا خوشنویسی در میان مسلمانان قابل توجه و نسبت به نقاشی از احترام و مقام بیشتری برخوردار بود. خطی که مسلمانان از آن استفاده می‌کردند خط عربی بود که دو شیوه‌ی عمده داشت: یکی شیوه‌ی رسمی با حروف زاویه‌دار و دیگری، شیوه‌ی شکسته با حروف منحنی و قوس‌دار. شیوه‌ی اول به خط کوفی معروف است که به شهر کوفه‌ی عراق ـ که شاید نخستین بار این خط به طور رسمی در آن شهر شایع شد ـ نسبت داده می‌شود. اسلوب دوم نیز خط نسخ است (زمانی، ۱۳۵۲: ۱۸). بی‌تردید خط کوفی نخستین شیوه‌ای است که توانست کاربرد همه جانبه، اغلب منحصر به فرد و کاملاً خاص یابد. پیشینه‌ی بافندگی و روند شکل‌گیری و چگونگی دوام آن مانند سایر پدیده‌های صنعتی و هنری متأثر از فراز و نشیب‌های تاریخی بوده‌است. همچنین شیوه‌ی تولید و نقش و نگارهای هر بافته، خود منبع مهمی برای شناخت شرایط سیاسی، اقتصادی و اجتماعی جامعه‌ی تولیدکننده‌ی آن به شمار می‌رود. هنر نساجی پس از اسلام در هر دوره با ویژگی‌های خاص خود به رشد و تعالی ادامه داد؛ چنان که می‌توان به استفاده از خط کوفی در پارچه‌های اوایل دوره‌ی اسلامی، نقوش اسلیمی و تزئینی در دوره‌ی دیلمیان و سلجوقیان، همچنین عناصر اقتباسی از هنر چین در دوره‌های مغول و تیموری اشاره کرد. اما در دوره‌ی صفوی، شهرت هنر پارچه‌بافی ایران به اوج شکوفایی خود رسید و وجود پارچه‌هایی با نقوش متنوع و مجلل گویای این امر است (صفاکیش و یزدانی، ۱۳۹۶: ۱۵۲). منسوجات ایرانی از ابتدای ظهور اسلام و در زمان آل‌بویه تا اواخر دوران سلجوقی، به پیشرفت روز افزونی در مقایسه با ادوار پیشین دست یافت؛ این پیشرفت در شیوه‌ی بافت منسوجات، به کارگیری نقوش ظریف‌تر و پرکارتر و استفاده از الیافی با کیفیت بهتر نمایان است. از سوی دیگر، در این فاصله‌ی زمانی پارچه‌های منسوب به طراز[1] رایج شد که خط نوشته‌هایی با نگارش کوفی داشت و بسیار مورد پسند خلفا بود (حدیدی و دادور، ۱۳۹۲: ۱۵). در این میان، پارچه‌ها مسیر پیشرفت خود را با به دست آوردن موقعیت اجتماعی و اقتصادی و بهره‌گرفتن از هنر خوشنویسی با محتوای کاربردی هموارتر می‌کرد. پارچه‌های کشف شده در دوره‌های مختلف نکات بسیار زیادی از هنرهای تزئینی را روشن ساخته‌اند. در این پارچه‌ها از چندین شیوه‌ی تزئینی استفاده شده که خط و خوشنویسی به خصوص خط کوفی یکی از این شیوه‌هاست. در بعضی از این پارچه‌ها خط کوفی تنها عنصر تزئینی است و در بعضی دیگر چند عنصر تزئینی به کار رفته‌است. هنرمندان با ذوق،

[Downloaded from rdch.ir on 2026-11-01]

نـگارش را هـم بـه عنـوان عنصـری تزئینـی و هـم بـه عنـوان عنصـری بـرای بیـان مفهـوم و کاربـرد آن بـر روی پارچه‌هـا بـا هـم ترکیـب کردنـد. ایـن نوشـته‌ها اغلـب متأثـر از باورهـای مذهبـی، اخلاقـی، عارفانـه و عاشـقانه بـود کـه هـر کـدام بـا توجـه بـه مضمـون نوشـته در جایـی خـاص بـه کار بـرده می‌شـد. اسـاس ایـن مقالـه بـر دو بخـش تنظیـم شده‌اسـت؛ بخـش اول بـه بررسـی خـط کوفـی و انـواع آن و بخـش دوم بـه بررسـی خـط کوفـی بـر منسـوجات دوره‌هـای مذکـور می‌پـردازد.

پیشینه‌ی تحقیق

تـا کنـون پژوهش‌هـای بسـیاری دربارهـی خطنـگاره‌ی پارچه‌هـا در دوره‌هـای مختلـف انجـام شـده، امـا بـه طـور مشـخص بـه خـط کوفـی روی پارچه‌هـا در دوره‌ی اسـلامی پرداخته نشده‌اسـت. بـر حسـب ضـرورت بـه چنـد مـورد از پژوهش‌هایـی کـه بـه موضـوع نزدیـک اسـت، می‌پردازیـم:

ـ کبیـری و بروجنـی (۱۳۹۰) در بررسـی مقالـه‌ی خـود بـا عنـوان «بررسـی خطنگاره‌هـای موجـود بـر روی پارچه‌هـای زری دوره‌ی صفویـه»، دریافتنـد کـه عـلاوه بـر خـط نسـخ و ثلـث، از خـط نسـتعلیق نیـز در تزئیـن پارچـه اسـتفاده شده‌اسـت کـه متـون آنهـا در سـه دسـته جـای می‌گیـرد: دسـته‌ی اول از نظـر داشـتن امضـا و تاریـخ بافـت کـه از همـه نـوع خـط در آن اسـتفاده شـده، دسـته‌ی دوم از لحـاظ آیـات قرآنـی، احادیـث و ...کـه بیشـتر از خطوط ثلث و نسـخ اسـت و دسـته‌ی سـوم کـه اشـعار فارسـی و جمـلات پندآمـوز بـود و در آن از خـط نسـتعلیق اسـتفاده شده‌اسـت.

ـ طالبپـور (۱۳۹۵) در مقالـه‌ای بـا عنـوان «کارکردهـای طـراز در دوره‌ی فاطمیـون» بـه ایـن نتیجـه رسـید کـه طرازهـا بـا خـط نوشـته همـراه بودنـد، گاهـی نیـز نشـان‌های خانوادگـی داشـتند کـه ایـن رسـم احتمـالاً از پادشـاهان ساسـانی اقتبـاس شـده بـود. عباراتی کـه در طـراز نوشـته می‌شـد غیـر از دعـا بـرای حاکـم شـامل شـعارهای مذهبـی و دینـی یـا فهرسـتی از اسـامی خلفـای مشـروع بـه منظـور تأییـد حقانیـت حکومـت سـلطان بـود.

ـ توسـلی (۱۳۸۷) در مقالـه‌ای بـا عنـوان «بررسـی تطبیقـی نقـوش منسـوجات صفـوی و عثمانـی»، نتایجـی بـه دسـت آورد کـه نشـان می‌دهـد کاربـرد خـط و خطنـگاره بـا مضامیـن آیـات قـرآن، احادیـث و ادعیـه در پوشـش مکان‌هـای مقـدس نیـز در حکومت‌هـای صفـوی و عثمانـی مـورد اسـتفاده بـوده و جایـگاه خاصـی داشته‌اسـت. کاربـرد خطوطـی چـون نسـخ و ثلـث در نوشـتن آیـات و عبـارات قرآنـی و اسـتفاده از ایـن گونـه بافته‌هـا در قالـب روپـوش قبـر و پـرده، بـه سیاسـت مذهبـی حاکمـان صفـوی و عثمانـی بـاز می‌گـردد.

ـ همتی‌گلیـان (۱۳۸۴) در مقالـه‌ی خـود بـا عنـوان «طـراز در تمـدن اسـلامی (از تأسـیس تـا عصـر ممالیـک)»، دریافـت کـه در دوره‌ی عباسـیان، کاتبـان و منشـیان ایرانـی از فرهنـگ و ادب ممتـازی برخـوردار بودنـد و در اداره‌ی امـور جامعـه نیـز نقـش برجسـته‌ای بـر عهـده داشـتند. آنها گاه می‌کوشـیدند مضامیـن فرهنـگ ایرانـی را از طریـق درج طراز منتشـر سـازند. نوشـته‌های روی طرازهـا بـه صـورت زیبـا و هنرمندانـه نقـش می‌شـد کـه کاربـرد رسـانه‌ای- تبلیغـی داشـت.

[Downloaded from rdch.ir on 2026-11-01]

ـ فتحی (۱۳۸۶) در مقاله‌ای با عنوان «خط نوشته‌ها، روی پارچه‌های دوره‌ی اسلامی» به این نتیجه رسید که پارچه‌های منقش به خط در دوران اسلامی کاربردهای مختلفی داشت؛ یک دسته برای لباس‌هایی استفاده می‌شد که روی آن دعا و نوشته‌هایی در مدح شاه و بزرگان نقش شده‌اند، دسته‌ی دیگر برای پوشش سنگ قبر و دسته‌ی سوم به صورت هدیه‌هایی بود که شاهان و بزرگان در مناسبت‌های مختلف به یکدیگر اهدا می‌کردند.

ـ حکم‌آبادی و همکاران (۱۳۹۴) مقاله‌ای با عنوان «بررسی نقوش پارچه‌های سامانی» نوشتند. آنها دریافتند که در دوران سامانی منسوجات را با نقوش حیوانات به صورت جفتی، نقوش هندسی، نقوش گیاهی و جانوری تزئین می‌کردند. در پارچه‌های این دوران حاشیه‌ها اهمیت بیشتری داشت. سامانیان با کمک خط کوفی از سبک کتیبه‌نویسی بر روی پارچه به خوبی بهره می‌بردند. از نوشتار گاه برای پوشاک و گاه به عنوان تحفه‌ای از سوی پادشاهان استفاده می‌شد.

ـ طالبپور (۱۳۹۴) در مقاله‌ای با عنوان «تأثیر نقوش ساسانی بر منسوجات آندلس»، دریافت که در اسپانیای مسلمان، حکمرانان و ثروتمندان برای نشان دادن اقتدار و ثروت خود از لباس‌های گران‌بها استفاده می‌کردند. ثروتمندان مسیحی این پارچه‌های گرانقیمت را که حتی با خط عربی بافته شده بود، تهیه و از آنها استفاده می‌کردند. زیبایی و کیفیت بالای این منسوجات به رغم داشتن نشان‌های خانوادگی سبب شد تا از آنها برای لباس کشیش‌ها، مراسم تدفین و پیچیدن اشیای متبرکه و استخوان‌های قدیسین مسیحی در اروپا استفاده شود.

روش تحقیق

هدف تحقیق حاضر، بررسی انواع خطوط کوفی موجود در پارچه‌های دوره‌ی اسلامی است. روش تحقیق از نوع تاریخی و تحلیلی است. اطلاعات موردنیاز این پژوهش نیز از دو روش کتابخانه‌ای و اسنادی جمع‌آوری شد. برای جمع‌آوری اطلاعات مربوط به کلیات موضوع، پیشینه‌ی تحقیق و تاریخچه‌ها نیز از کتب، مقالات علمی و سایت‌های داخلی استفاده شد.

۲. خط کوفی

نوشتار یکی از بزرگترین اختراعات تاریخ بشر و شاید مهم‌ترین آنهاست؛ زیرا نه تنها ثبت تاریخ را ممکن می‌کند، بلکه همان‌طور که ابن‌خلدون به درستی به آن اشاره کرده‌است، «امکان ارتباط بین افراد و فرهنگ‌ها را نیز فراهم ساخته. ابن خلدون، خط را مجموعه‌ای از نشانه‌ها و اشکالی از حروف تعریف می‌کند که نشان‌دهنده‌ی کلمه‌ای شنیدنی هستند و بر نیات درونی انسان‌ها دلالت می‌کند.» (افشارمهاجر و همکاران، ۱۳۹۵: ۴۴). گسترش نفوذ اسلام در میان ملل مختلف، تحولات عمده‌ای را در تمامی زمینه‌ها از جمله خط و کتابت در پی داشت و خیلی زود خط عربی جایگزین خط پهلوی در ایران، خط دیموقطبی در مصر، خط لاتین در شمال آفریقا و خط قوطی در آندلس شد (محسنی، ۱۳۸۱: ۱۳۵).

[Downloaded from rdch.ir on 2026-11-01]

کهن‌ترین شیوه‌ی خوشنویسی عربی، خط کوفی است که سابقه‌ای برابر با ظهور اسلام دارد. این خط در ابتدا برای نوشتن قرآن مجید به کار رفته و به مرور زمان گونه‌های متنوعی را شامل شده‌است (خراسانی و کفشچیان‌مقدم، ۱۳۹۶: ۴۳). خط کوفی سبکی است سرکش و به هر تحول و تغییر و تبدیلی تن می‌دهد. این خط قدیمی‌ترین خط اسلامی است که می‌توان تناسب و کرسی را در آن مشاهده کرد؛ یعنی اضلاع معین یا بخش‌هایی از حروف بر حسب قاعده روی یک خط مستقیم در هر سطر قرار دارد و هر قدر هم که تکرار شود، محل قاعده و توازی و تناسب آنها با همانندهای ما قبل و ما بعدشان مراعات می‌شود. خط کوفی در شرایط گوناگون و در شهرهای مختلف نام‌های متفاوتی از جمله جزم، انباری، حیری و حجازی داشته‌است. کوفی آخرین نام معتبر آن است؛ این امر بدان علت است که در زمان عمر، شهر کوفه در نزدیکی حیره و انبار بنا شد و مسلمانان از هر طرف به آنجا آمدند. در همین زمان این خط ترقی روز افزونی یافت و به کوفی مشهور شد. این شهرت از آن جهت بود که کوفه مقر خلافت حضرت علی (ع) شد و خود امام نیز از نویسندگان این خط بود (علی‌بیگی و چارئی، ۱۳۸۸: ۶). در طول سه سده‌ی اول هجری قمری، این خط به شدت رواج یافت و در عصر عباسی از نظر تفنن و زیبایی در رسم و شکل به جایگاه والایی رسید. کم‌کم کار تحول خط کوفی بالا گرفت و اقلام زیادی از این خط استخراج شد و ابن‌مقله ـ که یک ایرانی اهل بیضای فارس بود ـ به بی‌سامانی خطوط خاتمه داد. او خط را بر اساس سطر و دور قاعده‌مند کرد (ایمانی، ۱۳۸۱: ۶۱). خط کوفی در ابتدا بدون نقطه و علامت و اعراب بود. نقطه‌گذاری در حروف که حرف‌های هم شکل را از یکدیگر متمایز می‌کند (نقط یا اعجام) و نشانه‌های دستوری که حالت اسم، صرف افعال و مصوت‌های کوتاه را نشان می‌دهد (شکل یا اعراب)، در عصر خلافت عبدالملک (۶۵ ه. ق) یا در دوره‌ی معاویه دوم (۶۰ ه. ق) وضع شده‌است (آرتور و اکرمن، ۱۳۸۷: ۱۹۶۴).

«به طورکلی، کاربرد خط در هنر اسلامی پیام وحدت میان مسلمانان جهان بود؛ چرا که فرهنگ وتمدن اسلامی ترکیبی از هنر و فرهنگ اقوام ملل مختلف گردید که تحت یک جهان‌بینی واحد قرار گرفته بودند.» (دادور و حدیدی، ۱۳۹۲: ۱۷). در دوره‌ی اسلامی، منع استفاده از تصاویر انسانی و تصاویر گیاهی ـ که همان نقوش اسلیمی هستند ـ فراگیر شد. مهم‌ترین کاربرد نقوش اسلیمی در قرون اولیه‌ی هنر اسلامی علی‌الخصوص در ایران، همراهی آن با هنر خوشنویسی بود. در کل می‌توان گفت که نقوش اسلیمی منشأ مذهبی داشت و در دوره‌ی اسلامی این نقش ابتدا در کنار خط کوفی ـ که انتقال‌دهنده‌ی پیام الهی قرآن بود ـ به تکامل رسید؛ به همین دلیل، نقش اسلیمی به عنوان مهم‌ترین الفبای تزئینی هنر اسلامی از آغاز تا کنون، والاترین جایگاه را داشته‌است (خزایی، ۱۳۷۵: ۱۴۲).

شیوه‌های نگارش خط کوفی را می‌توان به دو شیوه‌ی مشرقی و مغربی تقسیم کرد. خط کوفی مشرقی، سه شیوهی اصیل عربی، ایرانی و مختلط دارد. کوفی مغربی

[Downloaded from rdch.ir on 2026-11-01]

نیـز شـامل چنـد شـیوه‌ی قیروانـی، آندلسـی، تونسـی، جزایـری و سـودانی اسـت. از میـان شـیوه‌های کوفـی مغربـی، شـیوه‌ی تونسـی از نزدیک‌تریـن آنهـا بـه خـط کوفـی مشـرقی اسـت. خـط کوفـی از نظـر شـکل و ظاهـر وقتـی در کتـب خطـی اسـتفاده می‌شـد، سـاده (محـرر) نـام داشـت، هنگامـی کـه بـرای مصـارف زیسـتی اسـتفاده می‌شـد، تزئینـی (موشـح) و در زمانـی کـه در عمـارت و سـاختمان‌ها از آن اسـتفاده می‌شـد، بنایـی (معقلـی) نـام داشـت. میـزان خوانـا بـودن ایـن خـط نیـز بـه طراحـی آن بسـتگی داشـت (متیـن، ۱۳۹۱: ۳۲). تفـاوت اساسـی بیـن خـط کوفـی سـاده و تزئینـی ایـن اسـت کـه نـوع سـاده، اصـول و قواعـد مشـخصی دارد، ولـی در کوفـی تزئینـی غیـر از رعایـت حـروف الفبـا قواعـد خاصـی مشـاهده نمی‌شـود. در ایـن خـط ابداعـات زیـادی صـورت گرفته‌اسـت؛ مثـلاً بـرای نظـم و ترتیـب و پـر کـردن زمینـه بـه نقاشـی متوسـل شـده‌اند و خـط در میـان ایـن نقاشـی‌ها کـه حـروف را همراهـی می‌کنـد، پنهـان شده‌اسـت. البتـه خـط کوفـی تزئینـی خـود انـواع مختلفـی دارد (زمانـی، ۱۳۵۲: ۲۱-۲۳) کـه نگارنـده بـه اختصـار بـه بیـان آن پرداخته‌اسـت:

- کوفی برگ‌دار (مورق)؛
- کوفی گل و برگ‌دار (مزهر)؛
- کوفی شاخه‌شاخه (مشجر)؛
- کوفی گره‌دار (مقعد)؛
- کوفی درهم‌بافته (مشبک)؛
- کوفی پیچیده (معشق).

۳. پارچه‌بافی

یکـی از متجلی‌تریـن هنرهـای ایرانیان، هنـر پارچه‌بافی اسـت کـه اوج آن را می‌تـوان در دوره‌ی اسـلامی مشـاهده کـرد. پارچه‌بافـی همچـون بسـیاری از صنایـع و هنرهای دیگـر علاوه بـر زیبایی هنـری بعـد کاربـردی نیـز دارد. از آن جایـی کـه پوشـاک یکـی از سـه نیـاز بنیادین آدمی به شـمار مـی‌رود؛ بنابرایـن بافندگـی و نسـاجی نیـز جـزء حرفه‌هـای اصلـی اسـت (بابایـی و بلخاریقهـی، ۱۳۹۵: ۲۸۶). هنـر بافندگـی بـه همـراه خلاقیـت و ذوق هنـری در طـرح و نقـش و رنگ و بافـت، قدمتی به انـدازه‌ی هزاره‌هـای پیـش از میـلاد دارد. تصاویـر حجاری‌هـای دوره‌ی هخامنشـی مبیـن عظمـت و شـوکت ایـن هنـر در زمـان خـود اسـت (قربانـی و عزیـزی، ۱۳۹۶: ۱۲۳). بـا پیشـرفت اسـلام و حضور دوره‌هـای متفـاوت اسـلامی، هنـر پارچه‌بافـی نیـز تحـول یافـت؛ زیـرا خـط و خوشنویسـی نیـز به ایـن هنـر وارد شـد (رضایـی‌آذر، ۱۳۹۲: ۹۱). علی‌رغـم نـوآوری در زمینـه‌ی اسـتفاده از ایـن خـط در منسـوجات، صنعـت نسـاجی در دوران اسـلامی دنبالـه‌روی سـنت ساسـانی بـود (فربـود و همـکاران، ۱۳۸۷: ۱۱۵). بـا توجـه بـه ایـن موضـوع، در ابتـدا بـه پارچه‌بافی و نقوش منسـوجات دوره‌ی ساسـانی ـ کـه از ادوار قبـل از اسـلام و اسـاس هنرهـای بعـد از اسـلام اسـت ـ خواهیـم پرداخت.

[Downloaded from rdch.ir on 2026-11-01]

پارچه‌بافی و نقوش پارچه در دوره‌ی ساسانی

سلسله‌ی ساسانی، آخرین شاهنشاهی ایران پیش از ظهور اسلام و حمله‌ی اعراب به ایران است که قریب به ۴۲۷ سال بر ایران فرمانروایی کرد. در این دوره، فن بافندگی ایران به اوج عظمت خود رسید و پارچه‌ها معمولاً از ابریشم، کرک و پشم بافته می‌شد. بافته‌های کارگاه‌های نساجی در این دوره، حریر موج‌دار الوان، غنایی، ابریشم جناغی با گل نقش‌ها، پارچه‌های حریر، مطرز، دیبا و مشقی، فرشینه‌ها، سایه‌بان‌ها، چادرها و .... بود. در مجموع، در هنر ساسانی اصول صحیح و منطقی هنر تزئینی رعایت شده و رنگ‌آمیزی کارهای هنری آن دوران، پر مایه و آرام‌بخش و با عظمت بوده‌است (موسوی و آیت‌الهی، ۱۳۹۰: ۵۳ و ۵۴). طرح پارچه‌های ساسانی بسیار شبیه نقوش حجاری‌ها، گچ‌بری‌ها و ظروف نقره در این زمان است. در قرون اولیه‌ی اسلام تنها پرداختن به برخی از جزئیات و ریزه‌کاری‌های نقش، وجه تمایزی برای شناسایی پارچه‌های ساسانی از پارچه‌های اوایل اسلام شد و از اوخر قرن سوم و اوایل قرن چهارم هجری قمری است که کاربرد خط بر روی پارچه‌ها مشاهده می‌شود (رضایی‌آذر، ۱۳۹۲: ۹۲). هنر ساسانی به دلیل سازگاری کامل با عقاید اسلام، در دوره‌های اولیه‌ی اسلامی قابل توجه قرار گرفت. در این دوره طرح و نقش پارچه‌ها کاملاً شبیه به نقوش حجاری‌ها، گچ‌بری‌ها، ظروف نقره و سفالی است. صورت حیوانات عجیب و خیالی، نقوش درختان سیب و نارنج، انواع گل‌ها و شاخ و برگ‌های پیچ‌درپیچ از طرح‌های رایج این دوره به شمار می‌رود. در این دوره نیز تصاویر حیوانات مختلف و حیوانات خیالی مانند سیمرغ و شیری که دم طاووس دارد، اسب، گاو بال‌دار، قوچ و گراز وحشی دیده می‌شود. تصاویری از پرندگان و مرغ‌های مختلف و پرندگان دریایی مانند غاز و مرغابی و دیهم نیز از طرح پارچه‌های این دوره است (طالب‌پور، ۱۳۸۶: ۵۲).

[Downloaded from rdch.ir on 2026-11-01]

جدول ۱: نقوش پارچه‌ها در دوره‌ی ساسانی

ردیف	موضوع	تصویر	توضیحات
۱	انسانی	 (صادق‌پورفیروزآباد، ۱۳۹۶: ۱۲۰)	در پارچه‌های این دوره، نقش انسان زیاد به چشم نمی‌خورد؛ غیر از تعدادی که صحنه‌ی شکار را نمایش داده‌اند و آن هم نمایش افراد مشهور است. نقش شاه محور نقوش انسانی در پارچه‌ها بود.
۲	جانوری	 (صادق‌پورفیروزآباد، ۱۳۹۶: ۱۱۹)	فراوانی این نقش با صورت‌های مختلف بر روی پارچه‌های ساسانی به وضوح دیده می‌شود. قوچ، بز، شیر، اسب و گریفتن از جمله حیوانات منقش است
۳	پرندگان	 (صادق‌پورفیروزآباد، ۱۳۹۶: ۱۱۸)	سیمرغ، عقاب، شاهین، خروس، طاووس، مرغابی، لک‌لک، قو، حواصیل و درنا از جمله پرندگانی هستند که پارچه‌ها را زینت داده‌اند.
۴	گیاهی	 (طالب‌پور، ۱۳۹۴: ۶۵)	درخت زندگی که درخت سرو یا نخل است، لوتوس، انار، گل سرخ و گل‌های چند پر از جمله اشکالی هستند که روی پارچه‌های ساسانی نقش بسته‌اند.
۵	مدالیون	 (کشمیری، ۱۳۹۷: ۷۵)	گاهی دور تا دور نقوش گیاهی یا حیوانی را دانه‌هایی شبیه به مروارید احاطه کرده که به زینت طرح و نقش پارچه منجر شده‌است.

پارچه‌بافی و نقوش پارچه در دوره‌ی سامانیان

سامانیان از سال ۲۶۱ تا ۳۸۹ ه. ق در ایران حکومت کردند. اگر بخواهیم به درخشان‌ترین حضور سامانیان در خاک ایران اشاره کنیم، قطعاً باید از نقش پررنگ آنان در خراسان بزرگ سخن به میان آوریم؛ خراسانی که در دوره‌ی سامانی مرکز فرهنگ ایران به شمار می‌رفت و سامانیانی که خود کانون عمده‌ی نوزایی ایران بودند. سامانیان در زمینه‌ی شکوفایی علوم و هنرها مشوق قدرتمندی بودند. از جمله‌ی این هنرها، هنر پارچه‌بافی بود که در این دوران پیشرفت چشمگیری داشت (حکم‌آبادی

[Downloaded from rdch.ir on 2026-11-01]

و همکاران، ۱۳۹۴: ۷۹). با توجه به بررسی پارچه‌های این دوره، نقوش آنها عبارتند از: نقوش هندسی، گیاهی، انسانی، حیوانی و خطنگاره‌ها.

پارچه‌بافی و نقوش پارچه در دوره‌ی آل‌بویه

آل‌بویه، از دودمان‌های دیلمیان و شیعیان ایرانی پس از اسلام است که در سال‌های (۳۴۰- ۳۱۰ ه . ق) قدرت را به دست گرفتند. دوران آل‌بویه در شکل‌گیری هنر اسلامی نقش به سزایی داشت. آنها در زمینه‌ی هنری، میراث هنر ایران باستان به‌ویژه ساسانیان را به هنر اسلامی انتقال دادند. اصول زیبایی‌شناسی که در هنر آل‌بویه وجود دارد، دقیقاً بر اصول زیبایی‌شناسی ایران باستان و هنر اسلامی منطبق است. یکی از ویژگی‌های بارز و مهم هنر آل‌بویه، وجود مفاهیم و عناصر مذهبی است. در زمان این خاندان صنعت نساجی به‌ویژه ابریشم‌بافی از اهمیت خاصی برخوردار بود (هنر آل‌بویه- art). بافت و طراحی منسوجات نیز رونق فوق‌العاده‌ای داشت؛ به طوری‌که می‌توان از میان هنرها، پارچه‌بافی را نماد اعتلای هنری ایران برشمرد. علاوه بر حمایت حکام آل‌بویه از این صنعت، پارچه از نظر آداب و رسوم و تجملات نیز اهمیت فراوانی داشت؛ به طوری که لباس درباریان و تزئین کاخ‌ها نیز از میان پارچه‌های نفیس و مجلل انتخاب می‌شد (صادقپورفیروزآباد، ۱۳۹۶: ۱۱۴). منسوجات ایرانی از ابتدای ظهور اسلام در زمان آل‌بویه تا اوخر دوران سلجوقی به پیشرفت روز افزونی در مقایسه با ادوار پیشین دست یافت؛ این پیشرفت در شیوه‌ی بافت منسوجات با به کارگیری نقوش ظریف‌تر و پرکارتر و استفاده از الیافی با کیفیت بهتر دیده می‌شود (دادور و حدیدی، ۱۳۹۲: ۱۸). با توجه به تصاویر و پارچه‌های مشاهده شده در این دوران، پارچه‌ها را نقوشی از جمله نقوش گیاهی، جانوری، انسانی، خطاطی، نقوش تمثیلی و گاه موضوعات شاعرانه و عاشقانه زینت داده‌اند.

پارچه‌بافی و نقوش پارچه در دوره‌ی سلجوقیان

حکومت سلجوقی از سال ۴۱۶ ه . ق آغاز و تا سال ۵۳۵ ه . ق پابرجا بود. در این دوره هنر نساجی و تولید پارچه‌های نفیس از جمله هنرهای رایج به شمار می‌رفت. در این دوران نهضت عمومی شدن صنعت بافندگی، تولید پارچه‌ی زری یا زربفت با پود طلا و پارچه‌های سفت تاب و شل تاب ـ که باعث تنوع و تکامل بافت جناقی پارچه‌های نخی می‌شود و رگه‌های اریب را بر پارچه‌ها نمایان می‌سازد ـ آغاز می‌شود. هنرمندان بر پارچه‌های ابریشم و زربفت، نقش‌هایی از پرندگان و جانوران به کار می‌بردند. همچنین پارچه‌های اطلسی و حریر که رنگشان با رنگ نور تغییر می‌کرد، از پارچه‌های مرسوم در این زمان بود (فتحی، ۱۳۸۶: ۶۴). استفاده از تقارن مرکزی، از نوآوری‌های سلجوقیان در طراحی منسوجات محسوب می‌شود. در منسوجات این دوره نیز اغلب دو رنگ وجود دارد (فربود و همکاران، ۱۳۸۷: ۱۱۵). پارچه‌های به دست آمده از این دوره گواهی بر پیشرفت تکنیک، تنوع در رنگ و نقش پارچه در آن زمان است. در زمان سلجوقیان، طرح‌های اسلیمی و نقوش پیچیده و منفصل گیاهی و

[Downloaded from rdch.ir on 2026-11-01]

طومـاری همـراه بـا نقـوش جانـوران و پرنـدگان مختلـف مرسـوم شـد (قربانـی و عزیـزی، ۱۳۹۶: ۱۲۳). همچنیـن در ایـن دوره، خوشنویسـی در بسـیاری از منسـوجات نقـش مهمـی یافـت.

پارچه‌بافی و نقوش پارچه در دوره‌ی ایلخانی

ایلخانیـان از سـال ۶۵۰ تـا ۷۳۶ ه . ق در ایـران حکمرانـی کردنـد. این مغـولان دوره‌ای را در هنـر ایـران آغـاز کردنـد کـه در آن از هنر شـرق دور تأثیـرات زیادی پذیرفته شـد. در ایـن دوره تحـولات مهمـی در زمینـه‌ی تولیـد و بافـت منسـوجات روی داد؛ نخسـتین تحـول در زمینه‌ی کشـاورزی و تولیـد مـواد خـام منسـوجات بـود؛ بدیـن صـورت کـه پـرورش کـرم ابریشـم رونق و رواج یافـت و ابریشـم‌بافی در نواحـی خوزسـتان، گنابـاد، خراسـان و گیـلان رایـج شـد (فربـود و همـکاران، ۱۳۸۷: ۱۱۶). از مشـخصه‌های پارچه‌هـای دوران ایلخانـی، ظرافـت و زیبایـی، دقـت و شـکوه و زیـاده‌روی در تزئیـن و سـاخت اسـت کـه زمینه‌هایـی بـرای پارچه‌هـای عهـد صفـوی بـه شـمار مـی‌رود. پارچه‌هـای اطلسـی و انـواع پارچه‌هـای راه‌راه نیـز از مشـخصه‌های عهـد ایلخانـی اسـت (فتحـی، ۱۳۸۶: ۶۷). در منسـوجات ایلخانـی بـا تعـدد رنگ‌هـا روبـرو نیسـتیم و غالبـاً بـه جـای تضـاد رنـگ بـا بافـت، تنهـا تضـاد میـان زمینـه و نقـش زربفـت مشـاهده می‌شـود. در زمـان حکومـت مغـولان بـر ایـران، تصاویـر جانـوران و پرنـدگان چینـی از دنیـای نقاشـی بـه صـورت مـوردی روی پارچه‌هـا دیـده می‌شـود (قربانـی و عزیـزی، ۱۳۹۶: ۱۲۶). از موضوعاتـی کـه در طراحـی منسـوجات دوره‌ی مغـول بـه چشـم می‌خـورد، تزئیـن پارچـه بـا نوارهـای متعـدد عمـودی یـا افقـی اسـت کـه معمـولاً بـا خـط نوشـته یـا خطـوط هندسـی متقاطـع یـا بـا ترکیبـی از نقش‌هـای هندسـی پـر می‌شـود. ویژگـی پارچه‌هـای ایـن دوره، سـازماندهی متقـارن نقـوش اسـت. در اواخـر ایـن دوره طرح‌هـای متقـارن چینـی در قالـب ردیف‌هـای متنـاوب بـا حیوانـات سـنتی اسـلامی و اسـلیمی‌های گل‌دار ترکیـب شـده و طـرح منسـوجات ایـن دوره را تشـکیل داده‌انـد. بـه دلیـل رابطـه‌ی تجـاری ایـران بـا چیـن، منسـوجات ایـران تحت‌تأثیـر هنـر چینـی قـرار گرفـت؛ بـه طـوری کـه پارچه‌هـا بـا موضوعات تزئینـی چینـی ماننـد اژدهـا، سـیمرغ، گل‌هـای نیلوفـر آبـی و شـقایق، چـوب چلیپـا شـکل و ابرهـای چینـی نقـش می‌شـد (فربـود و همـکاران، ۱۳۸۷: ۱۱۶).

پارچه‌بافی و نقوش پارچه در دوره‌ی تیموریان

حکومـت سلسـله‌ی تیموریـان از سـال ۸۰۷ ـ ۷۳۶ ه . ق بوده‌اسـت. در سـیر تکامـل و تحـول هنـر، دوره‌ی تیموریـان دوران شـکوفایی و رواج انـواع شـاخه‌های هنـری اسـت (عابدین‌پورجوشـقانی و همـکاران، ۱۳۸۹: ۱۴۲). هنـر پارچه‌بافـی نیـز در ایـن دوره رو بـه تکامـل بـود. باستان‌شناسـان از روی لبـاس اشـخاص و پرده‌هـای نقاشـی شـده ثابـت کرده‌انـد کـه سـبک پارچه‌هـای ضخیـم و پـر نقـش و بـراق دوره‌ی مغـول، جـای خـود را بـه طرح‌هـای بازتـر و روان‌تـر آن در عهـد تیمـوری داده‌اسـت (تیموریـان، هنـر اسـلامی). منسـوجات ایـن عصـر لطافـت و زیبایـی خاصـی داشـتند. انـواع پارچه‌هـای ابریشـمی دو پـودی و زربفـت، مخمل‌هـای کم‌پـرز و پارچه‌هـای نقاشـی شـده (مینیاتـور) در ایـن زمـان تهیـه می‌شـدند. پارچه‌هـای دوختـه‌دوزی (پتـه) کـه مرکـز آن کرمـان بـود نیـز در ایـن دوره بافتـه می‌شـد. در

[Downloaded from rdch.ir on 2026-11-01]

این دوره، نقوش انسان و طبیعت با موضوع داستان‌های حماسی و عاشقانه‌ی ایرانی به صورت مینیاتور بر روی پارچه‌ها نقاشی می‌شد. بافت پارچه‌هایی با موضوع سیمرغ و اژدها ـ که از فرهنگ و هنر چین تأثیر گرفته بود ـ نیز مرسوم شد. در این دوره از رنگ قرمز ـ که نشانه‌ی فرخندگی و مبارکی در رنگ‌آمیزی پارچه‌ها بود ـ نیز به وفور استفاده می‌شد (رضایی‌آذر، ۱۳۹۲: ۹۶). از مهم‌ترین موضوعات تزئینی در این دوره، ترسیم اشکال گیاهی است (طالب‌پور، ۱۳۸۶: ۱۲۶).

جدول ۲: انواع نقوش پارچه‌های دوره‌ی اسلامی

ردیف	دوره‌های اسلامی	نقش انسانی	نقش گیاهی	نقش جانوری
۱	سامانی	 (حکم‌آبادی و همکاران، ۱۳۹۴: ۶۱).	 (حکم‌آبادی و همکاران، ۱۳۹۴: ۷۰).	 (زارع‌ابرقویی و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۰۲).
۲	آل‌بویه	 (شجاعی و مراثی، ۱۳۹۷: ۷۹).	 (صادقپورفیروزآباد، ۱۳۹۶: ۱۱۵).	 (صادقپورفیروزآباد، ۱۳۹۶: ۱۱۶).
۳	سلجوقی		 (فتحی، ۱۳۸۶: ۶۶).	 (فتحی، ۱۳۸۶: ۷۳).
۴	ایلخانی		 (فربود و همکاران، ۱۳۸۷: ۱۱۷).	 (طالب‌پور، ۱۳۸۶: ۲۰۲).
۵	تیموری	 (رضایی‌آذر، ۱۳۹۲: ۹۷).	 (رضایی‌آذر، ۱۳۹۲: ۹۶).	 (رضایی‌آذر، ۱۳۹۲: ۹۶)

[Downloaded from rdch.ir on 2026-11-01]

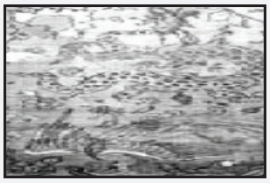
پارچه‌بافی و نقوش پارچه در دوره‌ی صفویان

دوره‌ی صفویه از سال ۹۰۷ ه . ق آغاز و در ۱۱۴۵ ه . ق پایان یافت. حکومت صفوی شکوه و بزرگی دوران ساسانیان را به ایران بازگرداند. تقریباً همه‌ی سیاحان و مورّخانی که در دوره‌ی صفویه به ایران سفر کردند، در یک چیز هم عقیده‌اند که دوران صفویه درخشان‌ترین دوره‌ی صنعت پارچه‌بافی از آغاز تاریخ ایران تا آن عصر بوده‌است. پارچه‌بافان به سبب استقبال فراوان مردم و حمایت بی‌دریغ پادشاهان و حکومت‌ها، کوشیدند تا در بافت انواع پارچه از قبیل دیبا، کتانی، اطلس، مخمل، زری و سایر پارچه‌های زیبا و ظریف مهارت بیشتری به دست آوردند (شریفی‌مهرجردی، ۱۳۹۲: ۱۰۳). یکی از ویژگی‌های مهم پارچه‌بافی صفویه، همکاری نقاشان و نساجان در کانون‌های هنری اصفهان یعنی پایتخت صفویه بود؛ به طوری که نقاشان آن دوران، بافندگان ماهری نیز بودند (حسین‌زاده‌قشلاقی و سرخه، ۱۳۹۶: ۹۷).

در بررسی پارچه‌های دوران صفوی، نقوش و موضوعات تزئینی آن پارچه‌ها را می‌توان به چند گروه تقسیم کرد: نقوش انسانی، جانوری اساطیری، گیاهی، هندسی، اسلیمی و بته‌جقه، طرح محراب و خط شامل انواع خطوط نسخ، ثلث، نستعلیق و گاه خط کوفی، لچک و ترنج.

[Downloaded from rdch.ir on 2026-11-01]

جدول ۳: پارچه‌های دوره‌ی صفوی با انواع نقوش

ردیف	موضوع	تصویر	توضیحات
۱	انسانی	 (قربانی و عزیزی، ۱۳۹۶: ۱۳۱).	در دوران صفوی، نقوش انسانی نقش‌مایه‌ای جذاب در بین تمامی نقوش ذکر شده‌است. مناظر داستان‌های شاهنامه و نظامی، تصاویر بزرگان ایرانی در حالت‌های مختلف شکارگران با وسایل شکار از جمله نقوش انسانی در پارچه‌های این دوره است.
۲	جانوری و پرندگان	 (قربانی و عزیزی، ۱۳۹۶: ۱۲۹).	تنوع زیاد پارچه‌ها، تنوع نقوش را نیز به همراه دارد. نقوش جانوری از این قائده مستثنی نیست و حیوانات درنده، سیمرغ، اژدها، جانوران اسطوره‌ای، بز کوهی و آهو پارچه‌های صفوی را مزین کرده‌اند؛ البته پرندگانی چون طاووس، طوطی، عقاب، کبک، باز، مرغابی و آبزیانی مثل ماهی نیز در نقش پارچه‌ها شرکت داشتند.
۳	گیاهی	 (توسلی، ۱۳۸۷: ۹۵).	در این دوره نقش‌مایه‌ی گیاهی به میزان خیلی وسیع کاربرد داشته‌است. انواع گل‌های لاله، نسترن، نیلوفر، زنبق، شاه‌عباسی، انواع برگ‌های کنگره‌دار، گل‌اناری، نقوش اسلیمی و انواع درختان به خصوص درخت سرو از جمله نقوش گیاهی هستند که روی پارچه‌ها نقش بسته‌اند.
۴	خط	 (صفاکیش و یزدانی، ۱۳۹۶: ۱۶۲).	تزئین پارچه با خط نوشته در این دوره متنوع‌تر می‌شود؛ زیرا علاوه بر خط کوفی خطوط دیگری چون نسخ، ثلث، نستعلیق و شکسته نستعلیق رواج پیدا کرد که با آنها لباس‌ها، انواع پرده و پوشش قبر با مضامین مختلف بافته می‌شد.
۵	سایر نقوش	 (توسلی، ۱۳۸۷: ۹۷).	نقش‌هایی چون اسلیمی، هندسی، بته‌جقه، لچک و ترنج و طرح محراب نیز از جمله دیگر نقوشی بودند که پارچه‌های این دوره را از سایر دوره‌ها متمایز می‌کرد.

[Downloaded from rdch.ir on 2026-11-01]

۴- خط‌نوشته‌ها و مضامین پارچه‌های دوره‌ی اسلامی

با وارد شدن خط و خوشنویسی در هنر پارچه‌بافی، تحولی عظیم ایجاد شد تا جایی که در عهد سلجوقی، طرح و نقش پارچه‌های ایرانی با عوامل سنتی نقاشی و داستان‌های ایرانی درآمیخت. در عهد مغول نیز با هنر نقاشی چینی عجین شد و در عهد صفوی موضوعات داستان‌های حماسی و عاشقانه‌ی ایرانی با ذوق هنرمندان زمان تلفیق شد تا شاهکارهای بی‌نظیری را در صنعت پارچه‌بافی شاهد باشیم (رضایی‌آذر، ۱۳۹۲: ۹۳).

مضمون پارچه‌های سامانی

مهم‌ترین تأثیری که تلفیق دو فرهنگ ایرانی - اسلامی بر هنر ایران گذاشت، سبک کتیبه‌نویسی بر روی پارچه است که سامانیان به کمک خط کوفی از آن به خوبی بهره بردند. یکی از پارچه‌های دوران سامانی که در موزه‌ی لوور نگهداری می‌شود، پارچه‌ای ابریشمی با نقش فیل است که کلید و سند مهمی برای نشان دادن تداوم شیوه‌ی اصیل ساسانی در خراسان به شمار می‌رود. این پارچه قدیمی‌ترین قطعه‌ای است که در دوران اسلامی برای حاکم خراسان بافته شده‌است. این اثر از دو قطعه‌ی نامساوی با زمینه‌ی قرمز رنگ تشکیل شده و طرح آن عبارت است از تصویر فیل‌های رو در رو که حاشیه‌ای از حروف کوفی و ردیفی از شترهای بلخی آن را تزئین می‌سازد. در حاشیه‌ی آن نیز با خط کوفی چنین مضمون مدح و ثنا نوشته شده‌است: (عز و اقبال للقائد ابی‌منصور بختکین اطال الله بقائه) به معنی (سعادت و نیکبختی برای قائد ابومنصور بختکین که زندگی او طولانی باد) (حکم‌آبادی و همکاران، ۱۳۹۴: ۶۰). (جدول ۴ و تصویر ۱ و ۲). قطعه‌ای دیگر نیز از ابریشم که با ردیفی از شترهای بلخی تزئین شده و نام ابومنصور بختکین با خط کوفی روی آن نقش بسته‌است (زارع‌ابرقویی و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۰۲). (جدول ۴ و تصویر ۳).

مضمون پارچه‌های آل‌بویه

در فاصله‌ی زمانی دوران آل‌بویه تا اواخر دوران سلجوقی، پارچه‌های منسوب به طراز رایج شد که خط نوشته‌هایی به نگارش کوفی داشت. این پارچه‌ها از سوی خلفای اموی و عباسی بسیار مورد پسند بود (دادور و حدیدی، ۱۳۹۲: ۱۵). پادشاهان برای پاداش، به سران مختلف خلعت‌هایی از ابریشم نفیس می‌بخشیدند و هدیه دادن این پارچه‌ها به صورت یک سنت بود. پارچه‌هایی مشتمل بر جامه‌ها، کفن‌ها و طاقه‌های پارچه با نوشته‌های تدفینی و دینی که بر طبق اعتقادات شیعی آل‌بویه شکل گرفته‌اند و به صورت پوششی برای تابوت استفاده می‌شدند (فتحی، ۱۳۸۶: ۶۴). از این دوران، تکه پارچه‌ای از پشم و ابریشم با نقش عقاب دو سر وجود دارد که جمله‌ی (من کبرت همته، کثرت قیمته)؛ یعنی (کسی که همت والا داشته باشد، ارزشش بیشتر است) به صورت تکراری روی بال عقاب‌ها بافته شده‌است. همچنین درون قاب اطراف نقوش، جمله‌ی (من طالب

[Downloaded from rdch.ir on 2026-11-01]

اصلـه زکـی فعلـه) بـه معنـی (کسـی کـه در پـی اصلـش باشـد، عملـش را نیکـو می‌گردانـد)، بـاز هـم بـه شـکل معکـوس تکـرار شده‌اسـت (دادور و حدیـدی، ۱۳۹۴: ۱۸). (جـدول ۴ و تصویـر ۴). پارچـه‌ای دیگـر بـا کتیبـه‌ای بـه نـام خلیفـه بویـه‌ی بهاءالدولـه بـا خـط کوفـی نوشـته شـده که بـه احتمـال زیـاد کاربـرد آن طـراز بوده‌اسـت (فتحـی، ۱۳۸۶: ۶۵). (جـدول ۴ و تصویـر ۵). نمونـه‌ای دیگـر از پارچه‌هـای ایـن دوره، بـا نقـش دو طـاووس بـزرگ متقـارن رو بـه درخـت زندگـی کـه پنجه‌هایـش پشـت گاوی را گرفته‌اسـت و کتیبـه‌ای بـا خـط کوفـی نقـش آن را تکمیـل می‌کنـد. کاربـرد ایـن پارچـه بـرای پوشـش قبـر و مضمـون آن، آرزوی بقـا و طـول عمـر بـرای فـرد متوفـی بـود (صادقپورفیروزآبـاد، ۱۳۹۶: ۱۱۷). (جـدول ۴ و تصویـر ۶).

مضمون پارچه‌های سلجوقی

در نسـاجی دوران سـلجوقی همچـون دیگـر شـاخه‌های هنـری آن دوره، کتیبه‌نـگاری یکـی از عناصـر اصلـی اسـت کـه در ترکیـب بـا نقـوش پارچه‌هـا جلـوه‌ی ویـژه‌ای می‌یابـد. خـط کوفـی کـه در اوایـل بیشـتر بـرای بیـان مضامیـن مذهبـی بـه کار می‌رفـت، در ایـن عصر جنبـه‌ی تزئینـی یافـت (مهجـور و علی‌نژاداسـبویی، ۱۳۹۱: ۷۲). خـط نسـخ بـه صـورت عمومـی رواج یافـت؛ چـه تنهایـی و چـه در ترکیـب بـا انـواع مختلـف خـط کوفـی کـه از میان آنهـا نوع در هـم تنیـده‌اش برجسـتگی ویـژه‌ای دارد (فتحـی، ۱۳۸۶: ۶۵). از ایـن دوره، قطعـه پارچـه‌ای در شـهر ری کشـف شـد کـه دو انسـان یـا فرشـته‌ی متفکـر بـه حالـت دسـت بـه چانـه روبـروی درخـت زندگـی نشسـته‌اند و درون مدال‌هایـی بـه ماننـد اشـک قـرار دارنـد. بـر حاشـیه‌ی آن نیـز بیتـی شـعر بـه خـط کوفـی نوشـته شـده کـه معنـی آن چنیـن اسـت: (هـر انسـانی، فرزنـد زنـی اسـت و هـر قـدر سـالم و قـوی باشـد، روزی درون تابـوت قـرار خواهـد گرفـت). طبـق مضمـون کتیبـه، ایـن پارچـه یـا پوشـش قبـر بـوده یـا بـه عنـوان کفـن از آن اسـتفاده می‌شده‌اسـت (صادقپورفیروزآبـاد، ۱۳۹۶: ۱۲۰). (جـدول ۴ و تصویـر ۷). نـوع دیگـری از پارچـه‌ی ابریشـمی بـه جـا مانـده از ایـن دوران، حاشـیه‌ی تزئینـی نوشـتاری بـه رنـگ کـرم در زمینه‌ی قهـوه‌ای اسـت. نـوع خـط بـه کار رفتـه در آن نیـز از نـوع کوفـی اسـت کـه در زمینـه‌ای از برگ‌هـای اسـلیمی قـرار گرفته‌اسـت. متـن کتیبـه چنیـن اسـت: (الدولـه و العافیـه)؛ یعنـی (قـدرت و عافیـت) اسـت؛ البتـه بـه علـت آسـیب‌دیدگی شـدید پارچـه، نسـبت بـه واژه‌ی نخسـت یعنـی الدولـه اطمینـان کامـل وجـود ندارنـد (مهجـور و علی‌نـژاد، ۱۳۹۱: ۷۷). (جـدول ۴ و تصویـر ۸). در ایـن دوره لباسـی کتیبـه‌دار بـه نـام بهارالدولـه وجـود دارد کـه در آن بـا خـط کوفـی، نـام شـاه یـا ولیعهـد منقـش شـده و آن را بـا نقـش و نگارهـای دیگـر تزئیـن کرده‌انـد. ایـن پیراهـن احتمـالاً جنبـه‌ی طـراز داشته‌اسـت (فتحـی، ۱۳۸۶: ۶۶). (جـدول ۴ و تصویـر ۹).

مضمون پارچه‌های ایلخانی

نمونـه پارچه‌هـای مربـوط بـه ایـن دوره محـدود اسـت. از مهم‌تریـن منسـوجات ایـن دوره می‌تـوان بـه پارچـه‌ای متعلـق بـه ابوسـعید اشـاره کـرد کـه حواشـی پهـن تزئیـن یافتـه از شمسـه‌هایی چنـد گـوش دارد کـوه بـا نقـش طاووسـان احاطـه شده‌اسـت و نـوار باریکـی از نقش‌مایـه‌ی حیوانـات دونـده دارد کـه هـر کـدام کنـار حاشـیه‌ای کتیبـه‌دار قـرار گرفته‌انـد.

[Downloaded from rdch.ir on 2026-11-01]

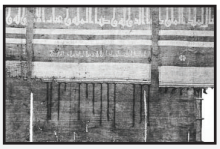
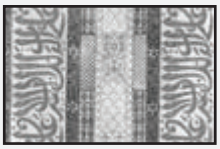
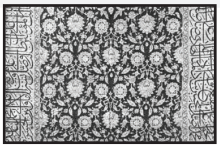
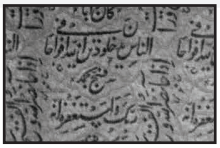
این قطعه به عنوان کفن رودرلف، دوک هابسمبورگ، به کار رفته بود (فربود و همکاران، ۱۳۸۷: ۱۱۶). (جدول ۴ و تصویر ۱۰)؛ البته این خط نوشته از نوع نسخ است. نمونه‌ی دیگر، پارچه‌ای از ابریشم زربفت است که در مجموعه‌ی دیوید در کپنهاک وجود دارد. این پارچه شامل مدالیون‌های بزرگ و درخت زندگی است که در ردیف‌های عمودی قرار گرفته و زمینه‌ای با اشکال گیاهی و گل لوتوس دارد. قسمت بالای پارچه نیز کتیبه‌ای کوفی دارد. از این پارچه به عنوان آویز در چادر دربار استفاده می‌شده‌است (طالب‌پور، ۱۳۸۶: ۱۲۰). (جدول ۴ و تصویر ۱۱).

مضمون پارچه‌های صفویان

تزئین با نوشته‌های خط نسخ و نستعلیق یکی از روش‌های رایج در دوره‌ی صفوی بود و کتابت آرام آرام وارد منسوجات شد. هنرمندان کتاب نقوش منسوجات را طراحی کردند که به ایجاد منسوجاتی نفیس با تزئین آیات قرآن، ادعیه و اشعار منجر شد. لباس‌هایی که با آنها تزئین می‌شدند معمولاً با نام پیراهن نادعلی و آیت‌الکرسی معروف بود و در مواردی چون پیروزی بر دشمنان، ترس، شفا و بخت استفاده می‌شد (صفا کیش و یزدانی، ۱۳۹۶: ۱۶۰). زری نوشته‌دار از پارچه‌های رایج دوران صفویه است. غالباً این طرح را برای روپوش قبور یا برای پرده‌هایی که در مقبره و اماکن متبرکه استفاده می‌شدند، می‌بافته‌اند. نمونه‌ای از آن قطعه‌ای از ابریشم قرمز و سورمه‌ای روی زمینه‌ی طلایی است. این قطعه با سوره‌ی فتح به طور کامل و مکرر نقش بسته و از آن برای پوشش قبر استفاده می‌شد (فتحی، ۱۳۸۶: ۷۰). (جدول ۴ و تصویر ۱۳). پارچه‌ای دیگر با طرح محراب و حاشیه‌ی خط کوفی بود که به دعای صلوات بر چهارده معصوم، سوره‌ی فاتحه و کلمه‌ی الله تزئین و از آن برای پوشش قبر استفاده می‌شد (توسلی، ۱۳۸۷: ۱۰۲). (جدول ۴ و تصویر ۱۲). نوعی پارچه قلمکار دیگر نیز هست که مزین به آیاتی از سوره‌ی نصر با خط کوفی، نسخ، ثلث و نستعلیق در زمینه‌ای به رنگ سبز روشن است. این قطعه را یکی از شاهزادگان صفوی به آستان شیخ اردبیلی اهدا کرده که از آن به عنوان پرده و پوشش قبر استفاده می‌شده‌است (توسلی، ۱۳۸۷: ۱۰۱). (جدول ۴ و تصویر ۱۴).

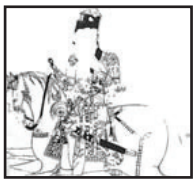
[Downloaded from rdch.ir on 2026-11-01]

جدول ۴: انواع پارچه‌های دوره‌ی اسلامی منقش به خط کوفی

ردیف	دوره‌های اسلامی	تصاویر		
۱	سامانی	 (شجاعی و مراثی، ۱۳۹۷: ۷۷).	 (شجاعی و مراثی، ۱۳۹۷: ۷۷).	 (زارع‌ابرقویی و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۰۲).
۲	آل‌بویه	 (صادقپورفیروزآباد،۱۳۹۶: ۱۱۷).	 (فتحی، ۱۳۸۶: ۶۵).	 (صادقپورفیروزآباد،۱۳۹۶: ۱۱۷).
۳	سلجوقی	 (صادقپورفیروزآباد، ۱۳۹۶: ۱۲۰).	 (مهجور و علی‌نژاد، ۱۳۹۱: ۷۸).	 (فتحی، ۱۳۸۶: ۶۶).
۴	ایلخانی	 (فربود و همکاران، ۱۳۸۷: ۱۱۷).	 (طالب‌پور، ۱۳۸۶: ۲۰۴).	
۵	صفویه	 (خلیل‌زاده و صادقپور، ۱۳۹۱: ۲۸)	 (کبیری و بروجنی، ۱۳۹۰: ۹۳)	 (توسلی، ۱۳۸۷: ۱۰۳).

[Downloaded from rdch.ir on 2026-11-01]

جدول ۵: نمونه‌های دیگری از پارچه‌های منقش به خط کوفی در دوره‌ی اسلامی

ردیف	تصویر	نوع خط	جنسیت پارچه	کاربرد پارچه	دوره
۱	 (حکم‌آبادی و همکاران، ۱۳۹۴: ۶۲-۶۱).	کوفی	ابریشم	در این تصویر ـ که از نقاشی‌های دیواری نیشابور است، سوارکاری با کلاهی قبه‌مانند، جبه‌ای ابریشمین و حلقه‌ای پهن بر بازو منقش به خط کوفی دیده می‌شود که به نظر نگارنده این نوشته یا برای دعا کردن سوارکار بوده یا جنبه‌ی طراز داشته‌است.	سامانیان ۳۸۹-۲۷۸ ه . ق
۲	 (فتحی، ۱۳۸۶: ۶۵).	کوفی	ابریشم دو پودی	پوششی برای تابوت با نوشته‌های خط کوفی که مضمون تدفینی و دینی دارد.	آل بویه ۳۴۰-۳۱۰ ه. ق
۳	 (فتحی، ۱۳۸۶: ۶۶).	کوفی	ابریشم جناغی بافت	پارچه‌ای ابریشمی با نقوش اسلیمی و پرنده‌ی متقارن که در وسط آن حاشیه‌ای از خط کوفی به چشم می‌خورد. این پارچه را قبل از تدفین و خاک‌سپاری استفاده می‌کردند.	سلجوقیان ۵۳۵-۴۱۶ ه. ق
۴	 (حسین‌زاده قشلاقی و سرخه، ۱۳۹۶: ۱۰۱).	کوفی	کتان	پیراهنی کتان که آیات قرآن و ادعیه با منظور خاص روی آن منقش شده‌اند، با توجه به اعتقادات آن دوره این پیراهن برای چشم زخم و رفع امراض و بلا پوشیده می‌شد.	صفویان ۱۱۴۹-۹۰۸ ه. ق

[Downloaded from rdch.ir on 2026-11-01]

نتیجه‌گیری

پس از بررسی انواع پارچه‌ها در ادوار مختلف بعد از اسلام دریافتیم که پارچه‌ها از نظر طرح و نقش تا دوران سلجوقی، با اختلاف بسیار کمی در جزئیات از نقوش ساسانی تبعیت می‌کرد. از دوره‌ی سلجوقی به بعد هنرمندان خوش ذوق، نقش‌ها را گسترش دادند و پارچه‌های گوناگونی خلق کردند که این امر در زمان صفوی به اوج خود رسید. با مشاهده‌ی آثار به جا مانده از این ادوار به وضوح می‌توانیم شاهد شاهکارهایی در این عرصه باشیم. در مورد خط و خط نگاره‌ی روی پارچه‌ها باید گفت که استفاده از خط کوفی در دوران آل‌بویه رونق یافت و جایگاه خود را تا اوایل دوران صفوی حفظ کرد؛ چون خط کوفی خطی بود که در ابتدای پیدایش، قرآن مجید با آن کتابت می‌شد و حس تقدس را به بیننده القا می‌کرد. درنتیجه اکثر آثاری که با این خط منقش شده بود به خصوص پارچه‌ها، تداعی‌گر این حس هستند؛ بنابراین در تمامی دوره‌های روی کار آمده‌ی بعد از اسلام، تقریباً اکثر پارچه‌های که با خط کوفی تزئین شده‌اند برای مصارف مذهبی به کار می‌رفتند، اما با رواج خطوطی چون نسخ، نستعلیق و شکسته نستعلیق در دوران صفوی و استقبال شاهان و هنرمندان و هنردوستان از آنها، کم‌کم خط کوفی قدرت خود را در تزئین پارچه‌ها از دست داد و از آن تنها در تزئینات ابنیه‌ی متبرکه از قبیل مساجد و قبور استفاده می‌شد که تاکنون در کنار دیگر تزئینات این بناها نمایان بوده‌اند. البته خط مورد استفاده در تزئین این بناها از نوع کوفی بنایی یا معقلی است.

پی‌نویس

۱ـ طراز به معنی رودوزی کردن است. به کتابت و خطی گفته می‌شود که نساجان بر پارچه می‌نگارند. طراز دو نوع عمده داشته‌است؛ یکی خاصه که برای پادشاهان و امیران بافته می‌شد و دیگری عامه که برای ثروتمندان تهیه می‌شد.

۲ـ دیهم حلقه‌ای ساده بود که در دور سرِ بر روی پیشانی می‌نشست و در پشت سر، دو نوار چین‌دار یا راه‌راه داشت که احتمالاً در زمان اسکندر به یونان راه یافت و با نام دیادم معروف است.

منابع و مآخذ

آرتورآپهام، پوپ و اکرمن، فیلیس (۱۳۸۷)، «*سیری در هنر ایران، از دوران پیش از تاریخ تا امروز (جلد چهارم؛ سفالگری، خوشنویسی و کتیبه‌نگاری)*»، ترجمه‌ی نجف دریابندی، ویرایش سیروس پرهام، تهران: علمی و فرهنگی.

طالب‌پور، فریده (۱۳۸۶)، «*تاریخ پارچه و نساجی در ایران*»، تهران: دانشگاه الزهراء (س).

گروه نویسندگان (۱۳۹۱)، «*خوشنویسی (مصور)، از سری مقالات دانشنامه ایرانیکا*»، ترجمه‌ی گروه مترجمان امیرکبیر، زیر نظر پیمان متین، تهران: امیرکبیر..

[Downloaded from rdch.ir on 2026-11-01]

افشـار مهاجـر، کامـران و صالحـی، سـودابه و فریـد، امیر (۱۳۹۵)، «*شـاخصه‌های تشـخیص حـروف در الفبـای خط‌هـای اسـلامی*»، فصلنامـه‌ی علمـی ـ پژوهشـی دانشـگاه هنر، شـماره‌ی ۱۸: ۶۰-۴۳.

امام، سیدمحمدکاظم (۱۳۵۱)، «*خط الجزم ـ خط کوفی*»، گوهر، شماره‌ی ۱: ۶۱-۵۵.

ایمانـی، علـی (۱۳۸۱)، «*سـهم ایرانیـان در هنـر خوشنویسـی بـا تکیـه بـر خـط کوفـی*»، مـاه هنـر، شـماره‌ی ۵۳ و ۵۴: ۶۴-۵۶.

بابایـی، پرویـن و بلخـاری قهـی، حسـن (۱۳۹۵)، «*جایـگاه پارچه‌بافـی و خیاطـی در هنرهـا و صنایـع ایـران*»، فصلنامـه‌ی نقـد کتـاب هنـر، سـال سـوم، شـماره‌ی ۱۲: ۲۹۶-۲۸۳.

توسـلی، رضـا (۱۳۸۷)، «*بررسـی تطبیقـی تقـوش منسـوجات صفـوی و عثمانـی*»، فصلنامـه‌ی مطالعـات هنـر اسـلامی، شـماره‌ی ۸: ۱۰۶-۸۷.

جبـاری، صداقـت و معصـوم‌زاده، فرنـاز (۱۳۸۹)، «*تنـوع خـط کوفـی در کتیبه‌هـای سـفال سـامانی (قـرن سـوم تـا پنجـم هجـری، قمـری)*»، نشـریه‌ی هنرهـای زیبـا ـ هنرهـای تجسـمی، شـماره‌ی ۴۲: ۴۴-۳۳.

حسـین‌زاده قشـلاقی، سـارا و مونسی‌سـرخه، مریـم (۱۳۹۶)، «*بررسـی وجـوه اشـتراک و افتـراق پارچه‌هـای عصـر صفـوی و عثمانـی*»، فصلنامـه‌ی علمـی پژوهشـی نگـره، شـماره‌ی ۴۱: ۱۱۱-۹۵.

حکم‌آبـادی، عارفه‌سـادات؛ خزایـی، محمـد و احمدپنـاه، سـید ابوتـراب (۱۳۹۴)، «*بررسـی نقـوش پارچه‌هـای سـامانی*»، خراسـان بـزرگ، سـال ششـم، شـماره‌ی ۲۰: ۷۴-۵۷.

خراسـانی، کاظـم و کفشـچیان‌مقدم، اصغـر (۱۳۹۶)، «*شناسـایی عوامـل تأثیرگـذار بـر مانـدگاری خـط کوفـی بنایـی در دوره معاصـر و رونـد اسـتفاده از آن در طراحی آرم نوشـتاری*»، بـاغ نظـر، سـال چهاردهـم، شـماره‌ی ۴۶: ۵۰-۴۱.

خزایـی، محمـد (۱۳۷۵)، «*خـط کوفـی و نقـوش اسـلیمی*»، فصلنامـه‌ی هنـر، شـماره‌ی ۳۱: ۱۴۲-۱۳۷.

خلیل‌زاده‌مقـدم، مریـم و صادقپورفیروزآبـاد، ابوالفضـل (۱۳۹۱)، «*بررسـی تطبیـق نقـوش پارچه‌هـای صفـوی و کورگانـی*»، فصلنامـه‌ی نگـره، شـماره‌ی ۲۱: ۳۷-۲۱.

دادور، ابوالقاسـم و حدیـدی، النـاز (۱۳۹۲)، «*بررسـی نقـوش منسـوجات قـرون اولیـه‌ی اسـلامی (از قـرن اول ه . ق تـا اواخـر دوره‌ی سـلجوقی)*»، جلـوه‌ی هنـر، شـماره‌ی ۶: ۳۳-۱۵.

رضایـی‌آذر، نـدا (۱۳۹۲)، «*بررسـی عنصررنـگ در پارچه‌هـای دوره‌ی اسـلامی (سـلجوقیان تـا صفویـه)*»، فصلنامـه‌ی علمـی ـ پژوهشـی هنرهـای تجسـمی نقش‌مایـه، سـال پنجـم، شـماره‌ی ۱۵: ۱۰۰-۹۹.

[Downloaded from rdch.ir on 2026-11-01]

زابلی‌نـژاد، هـدا (۱۳۹۰)، «*مطالعـه تطبیقـی تصویـری نقـوش پارچه‌هـای دوره‌هـای ساسـانی و قاجـار*»، کتـاب مـاه هنـر، شـماره‌ی ۱۶۱: ۱۰۸-۶۹.

زارع‌ابرقویـی، احمـد؛ موسـوی‌حاجی، سـید رسـول و روسـتا، جمشـید (۱۳۹۳)، «*تأثیـر نوارهـای ساسـانی بـر هنـر اسـلامی از آغـاز تـا پایـان دوره‌ی سـلجوقی*»، دو فصلنامـه‌ی علمـی ـــ پژوهشـی نشـریه‌ی مطالعـات تطبیقـی هنـر، سـال چهـارم، شـماره‌ی ۷: ۱۰۷ - ۹۵.

زمانـی، عبـاس (۱۳۵۲)، «*خـط کوفـی تزئینـی در آثـار تاریخـی اسـلامی*»، هنـر و مـردم، شـماره‌ی ۱۲۸: ۳۳-۱۵.

شـجاعی‌قادیکلایی، حسـین و مراثـی، محسـن (۱۳۹۷)، «*مطالعـه‌ی نقـوش سـفال و منسـوجات دوره‌ی سـامانی و آل‌بویـه در تطبیـق بـا هنـر ساسـانی*»، نشـریه‌ی هنرهـای زیبـا ـ هنرهـای تجسـمی، سـال بیسـت و سـوم، شـماره‌ی ۱: ۸۲-۷۳.

شـریفی‌مهرجردی، علی‌اکبـر (۱۳۹۲)، «*هنـر نسـاجی و پارچه‌بافـی یـزد در دوره‌ی درخشـان صفـوی*»، چیدمـان، سـال دوم، شـماره‌ی ۲: ۱۰۹- ۱۰۲.

صادقپـور فیروزآبـاد، ابوالفضـل (۱۳۹۶)، «*تحلیـل و بازشناسـی نمادگرایانـه نقوش مشـترک منسـوجات سـاسـانی و آل‌بویـه*»، هنرهـای زیبـا ـ هنرهـای تجسـمی، دوره‌ی بیسـت و دوم، شـماره‌ی ۲: ۱۲۴-۱۱۱.

صفاکیش، حمیدرضا و یزدانی، فروغ (۱۳۹۶)، «*هنر ـ صنعت پارچه‌بافی در دوره‌ی شاه عباس صفوی (۱۰۳۸-۹۷۸ ه . ق)*»، مطالعات باستان‌شناسی، سال نهم، شماره‌ی ۱: ۱۵۶-۱۵۱.

طالب‌پـور، فریـده (۱۳۹۴)، «*تأثیـر نقـوش سـاسـانی بر منسـوجات آندلـس*»، پژوهش‌نامه‌ی انجمـن ایرانی تاریخ، سـال هفتـم، شـماره‌ی ۲۵: ۷۲-۴۵.

ـــــــــــــ . (۱۳۹۵)، «*کارکردهـای طـراز در دوره‌ی فاطمیـان*»، نشـریه‌ی هنرهـای زیبا ـ هنرهـای تجسـمی، دوره‌ی بیسـت و یکـم، شـماره‌ی ۲: ۶۴-۵۵.

عابدین‌پورجوشـقانی، وحیـد و سماعی‌دسـتجردی، معصومـه (۱۳۹۶)، «*درون‌مایه‌هـای شـیعی در هنـر عصـر تیمـوری بـا تأکیـد بـر خـط و خوشنویسـی*»، مجلـه‌ی پژوهش‌هـای تاریخـی ایـران و اسـلام، شـماره‌ی ۲۱: ۱۸۴-۱۶۳.

علی‌بیگی، رضوان و چارئی، عبدالرضا (۱۳۸۸)، «*سیر تحول خط کوفی در نگارش قرآن‌های سده‌ی اول تا پنجم هجری و بررسی ساختار آن*»، فصلنامه‌ی تگره، شماره‌ی ۱۲: ۱۷-۵.

فتحـی، لیـدا (۱۳۸۶)، «*خـط نوشـته‌ها روی پارچه‌هـای دوره‌ی اسـلامی*»، دو فصلنامـه‌ی مـدرس هنـر، دوره‌ی دوم، شـماره‌ی ۲: ۷۵-۶۳ .

فربود، فریناز؛ خزایی، محمد و رهنورد، زهرا (۱۳۸۷)، «*بررسی تطبیقی منسوجات ایران دوره‌ی ایلخانی و منسوجات ایتالیا در قرون هفتم و هشتم ه . ق - سیزدهم و چهاردهم میلادی (از منظر طراحی نقش)*»، نشریه‌ی هنرهای زیبا، شماره‌ی ۳۶: ۱۲۲-۱۱۱.

[Downloaded from rdch.ir on 2026-11-01]

قربانی، ملیحه و عزیزی، حسن (۱۳۹۶)، «*تأثیر نقاشان کاشانی بر پارچه‌های دوره‌ی صفوی*»، پژوهش‌نامه‌ی کاشان، شماره‌ی ۱۱ (۱۹): ۱۳۷-۱۲۲.

کبیری، فرانک و بروجنی، اردشیر (۱۳۹۰)، «*بررسی خط نگاره‌های موجود بر روی پارچه‌های صفویه*»، کتاب ماه هنر، شماره‌ی ۱۵۶: ۹۷-۸۸.

موسوی، بی‌بی‌زهرا و آیت‌الهی، حبیب‌الله (۱۳۹۰)، «*بررسی نقوش منسوجات در دوران هخامنشی، اشکانی و ساسانی*»، فصلنامه‌ی علمی ـ پژوهشی نگره، شماره‌ی ۱۷: ۵۷-۴۷.

مهجور، فیروز و علی‌نژاد اسبوئی، زهرا (۱۳۹۱)، «*بررسی تطبیقی نقش‌مایه و بافت یک نمونه از پارچه‌های عصر سلجوقی موجود در موزه‌ی مقدم دانشگاه تهران*»، نشریه‌ی مطالعات تطبیقی هنر، سال دوم، شماره‌ی ۳: ۸۵-۷۱.

هنر در دوره آل‌بویه - art <post <ara781781.blogfa.com, (2018/11/19 , 16:30)

هنر تیموریان ــ هنر اسلامی - www.islamicartz.com (2018/11/19 , 16:00)

[Downloaded from rdch.ir on 2026-11-01]

Review of Islamic Script on the Islamic Era Cloth

M. Zabole Zade[1]
M. Mohtaram[2]

Abstract

Calligraphy is one of the particular arts of the Islamic era. Kufic script is one of the Arabic scripts and because of the divine words; it has earned a special value and credit. The moral backing, along with its presence in various artistic arenas and the enjoyment of taste by artists, created a variety of the Kufic scripts.

The origin of this script has been Kufa, but the most use of this script, has been taken as a decorative and applied element in various arts such as buildings, utensils, textiles and… by Iranians.

In addition to calligraphy, the art of weaving has also been remarkable in Islamic history. The art of weaving in the period was influenced by many factors, including religion, culture, social beliefs and so on.

The emergence of calligraphy on the weaving industry, due to its functional characteristics in society and people's lives, has played a major role in the evolution of these two arts in the Islamic period.

The purpose if this research is to introduce the Kufic script and its application to the textiles used in Islamic courses; which is a descriptive and analytical research with application review and method of collecting information as libraries and documents.

In this study, two principals have been considered for full recognition in this field.

1. Investigating the Kufic script and its variants.
2. The evolution of the Kufic script in the texts of the aforementioned courses, we examined the different themes and applications.

Keywords: Kufic scripts, Line art, weaving cloth, Islamic era.

1. Master of Arts in Islamic studies, Fatemeh Faculty, Bandar Abbas.
2. Graduate Student in Design and Sewing, Faculty of Fatemeh Bandar Abbas.

[Downloaded from rdch.ir on 2026-11-01]